

ساماندهی اقتصادی وجوهات شرعی با استفاده از دلایل ارزشی و اقتصادی

غلام‌علی احمدی^۱

چکیده

مشکلات اقتصادی اعم از فقر، بیکاری و نابرابری مهم‌ترین عوامل ناهنجاری‌های اجتماعی و خانوادگی محسوب می‌شوند. پژوهش موجود در ادامه پژوهش‌های قبلی مبنی بر ساماندهی وجوهات شرعی در فعالیت‌های اقتصادی با استفاده از تکنیک AHP به این نتیجه رسید که می‌توان وجوهات شرعی اعم از خمس و زکات را در فعالیت‌های اقتصادی تخصیص داد؛ زیرا شاخص‌هایی از قبیل کاهش نابرابری، افزایش بهره‌وری، فقرزدایی و اشتغال‌زایی تنها با تخصیص وجوهات شرعی در فعالیت‌های تولیدی و خدماتی که در قالب مدل دوم تبیین گردید؛ امکان‌پذیر است. از این‌روی، مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به اثبات این مسأله می‌پردازد: تخصیص وجوهات شرعی تحت نظر مجتهد جامع‌الشرایط در فعالیت‌های تولیدی و خدماتی با دلایل قرآنی، روایی، تاریخی و اقتصادی معقول و پسندیده است و باعث کاهش فقر و نابرابری اجتماعی در جامعه می‌شود.

واژگان کلیدی: خمس، زکات، تخصیص، وجوهات شرعی.

۱. دانشجوی دکتری اقتصاد، عضو هیات علمی دانشگاه بین‌المللی المصطفی (ص) - افغانستان.

مقدمه

تمام مکاتب بشری و نظام‌های اقتصادی به‌منظور تعدیل ثروت و رفاه اجتماعی، برنامه‌های مشخصی داشته‌اند و دارند؛ لذا نظریات متعدد اقتصادی در جهت کاهش فقر و تعدیل درآمدها، هر از چندگاهی ارائه می‌شود تا افزون بر کاهش نابرابری اجتماعی، منجر به کاهشی شدن ناهنجاری‌های اجتماعی از قبیل دزدی، اختلاس و... گردد و شهروندان جامعه در کمال آرامش و رفاه به زندگی خود ادامه دهند. همین مسأله باعث شکل‌گیری دو دیدگاه کلی نسبت به چگونگی کمک به فقرای جهان از طریق سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی شده است (بنرجی، دوفلو، ۱۳۹۲، ۱۴):

الف) جفری ساکس مدیر مؤسسه زمین در دانشگاه کلمبیا معتقد است که با کمک‌های جهانی می‌توان فقرا را از دام فقر نجات داد.

ب) در جانب مقابل، ویلیام ایسترلی استاد اقتصاد و مدیر مرکز پژوهش‌ها توسعه دانشگاه نیویورک معتقد است که کمک‌های جهانی فرهنگ وابستگی ایجاد می‌کند و باعث دوری فقرا از مسیر واقعی به موفقیت می‌شود و در نتیجه فقیر، فقیرتر می‌گردد. بنابراین، یکی از راه‌های مهم مبارزه با فقر، استفاده از توانمندی‌های فقرا در جهت تقویت بخش‌های مولد است تا افزون بر افزایش سطح درآمد فقرا، چرخ اقتصاد نیز فعال‌تر گردد.

بدون شک دین اسلام با توجه به جامعیت آن، در قبال کاهش و یا ریشه‌کن‌سازی ناملایمات اجتماعی برخاسته از شرایط اقتصادی نه‌تنها ساکت و بدون برنامه نیست؛ بلکه برنامه‌های بسیار جدی و مشخصی در این جهت دارد. یکی از پلان‌های مهم در جهت فقرزدایی از جامعه و تعدیل ثروت، توجه جدی به مسائل مانند وجوهات شرعی به‌ویژه زکات است که پژوهش حاضر با دلایل نظری به اثبات رفع و یا کاهش فقر از طریق تخصیص وجوهات شرعی در فعالیت‌های اقتصادی پرداخته است.

۱. پیشینه تحقیق

در خصوص ساماندهی وجوهات شرعی مقالات و کتاب‌های زیادی به نشر رسیده است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

میثم موسایی و یوسف کرمی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش خمس در رفع فقر مطالعه موردی: شهر شال قزوین»، به نقش خمس در جهت کاهش فقر از طریق تحقیق میدانی به این نتیجه رسیده است که مدیریت خمس قریب به ۶۰ درصد فقر را بهبود می‌بخشد. باقر حسامی عزیزی و کفشگری در مقاله‌ای تحت عنوان «خمس و زکات و جایگاه آن در اقتصاد کشورهای اسلامی» افزون بر تبیین تأمین و تخصیص زکات در کشورهای اسلامی، به دستاوردهای مثبت اقتصادی این وجوهای شرعی و جوامع اسلامی از طریق احیای فرهنگ خمس و زکات می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که مدیریت درست خمس و زکات منجر به رشد اقتصادی کشورها می‌گردد.

آنچه مقاله حاضر را از سایر پژوهش‌ها متفاوت می‌سازد؛ موارد ذیل می‌باشد:

(الف) این مقاله با رویکرد نظری به اثبات تخصیص وجوهای شرعی در فعالیت‌های اقتصادی پرداخته است در حالی که سایر محققین به تاثیرگذاری وجوهای شرعی در کاهش فقر توجه جدی داشته‌اند؛

(ب) این پژوهش به ارائه مدل جدید از طریق تخصیص وجوهای شرعی در بخش‌های تولیدی و خدماتی تأکید دارد، اما سایر پژوهش‌ها به این مسأله کمتر عنایت داشته‌اند؛

(ج) در این مقاله با دلایل ارزشی و اقتصادی به ساماندهی وجوهای شرعی پرداخته شده است، ولی سایر تحقیقات بیشتر نگاه میدانی به درجه اهمیت وجوهای شرعی دارند.

۲. دلایل نظری تخصیص وجوهای شرعی در فعالیت‌های اقتصادی

هدف اصلی این پژوهش، ساماندهی وجوهای شرعی به منظور تحقق شاخص‌های چهارگانه (کاهش نابرابری، افزایش بهره‌وری، کاهش فقر و افزایش اشتغال) در جامعه آماری است. پرسش این است: آیا وجوهای شرعی به‌ویژه زکات و خمس را می‌توان در جهت فعالیت‌های تولیدی و خدماتی به هدف تحقق شاخص‌های گفته‌شده در جامعه مطلوب تخصیص داد؟ به نظر می‌رسد فلسفه مهم وجوب وجوهای شرعی، رفع مشکلات اقتصادی افراد جامعه است که با دلایل ارزشی، فقهی و اقتصادی می‌توان ادعای مطرح‌شده را اثبات نمود.

۱-۲. دلایل ارزشی تخصیص وجوهات شرعی در فعالیت‌های اقتصادی

۱-۱-۲. آیات قرآن

آیاتی که با بیانات گوناگون و صور مختلف، اتفاق به مستمندان را لازم می‌شمارد و به بخشیدن مقداری از مال به بینوایان و مستمندان جامعه فرمان می‌دهد. این آیات، در بیان لزوم اتفاق، تقریباً به چهار دسته تقسیم می‌شوند (جعفری تبریزی، ۱۴۱۹ ه‍.ق، ۵۲-۵۴):

۱. آیاتی چند، مفید این معنی است که لازمهٔ ایمان به خدا و تقوی، پرداخت مقداری از مال به نیازمندان است که اگر شخصی به حقیقت گرویده و مؤمن به آیین اسلام و پایبند اصول تقوی باشد، باید اتفاق کند (ببخشد)، به بینوایان و مستمندان رسیدگی کند و آنان را در مال خود سهیم بداند (بقره، ۳ و انفال، ۳).

۲. آیاتی که می‌گوید: پیش از تباه شدن زندگی و از دست رفتن نیروی کار و چاره‌جویی و در گرماگرم زندگی و نیازمندی نیازمندان و در طول مدت زندگی در این جهان باید اتفاق کرد و مستمندان را نوا داد (بقره، ۲۵۴ و ابراهیم، ۳۱)

۳. آیاتی که می‌گوید: مجاهده در راه خدا هم با جان است و هم با مال و باید هر دو توأم باشد. یا این که مجاهده مالی مانند مجاهده جانی در اساس ایمان منظور شده است (توبه، ۴۱).
۴. آیاتی که تصریح می‌کند: خداوند خود خریدار جان و مال مردم با ایمان است و به عبارت دیگر، خداوند در برابر بهشت، هم جان را قرار داده است و هم مال و اتفاق را و همان‌طور که مؤمن نباید از جان خویش در راه خدا مضایقه کند، از مال خود نیز در راه خدا و اتفاق به توده ناتوان، نباید دریغ داشته باشد (توبه، ۱۱۱).

کلمه «نفق» و «أنفق» در لغت دارای چندین معنی است که قدر مشترک تمام آن معانی، صرف کردن و مستهلک نمودن مال است. هر چند از سایر منابع فقهی، نابود ساختن و از بین بردن مال به‌طور مطلق به دست نمی‌آید؛ یعنی کلمه «انفاق» که در حدود ۷۳ مورد در قرآن کریم آمده است؛ نظری به عدم تراکم ثروت نیز دارد و می‌گوید: در راه خدا و به نفع جامعه، مال خود را انفاق نمایید و از ثروت خود کم کنید. افزون بر آن، به اصطلاح فقهی، آیات انفاق عام هستند و متضمن این حقیقت است که از عمومات و اطلاقات آیات و احادیث انفاق و حفظ نفوس محترمه استفاده می‌شود تا آنجا که ممکن است، باید فقر از روی زمین ریشه‌کن گردد (جعفری تبریزی، ۱۴۱۹ ه‍.ق).

ق، ص ۵۳-۵۴).

۲-۱-۲. روایات

همچنین احادیث زیادی در خصوص اهتمام به امور مسلمین و کمک به آن‌ها داریم که حدیث زیر یک نمونه بسیار مشخص از موارد گفته شده است (کلینی، ج ۳، ۴۱).

پیغمبر^(ص) فرمود: هر که صبح کند و به امور مسلمین همت نگمارد. از آن‌ها نیست و هر که بشنود مردی فریاد می‌زند «مسلمان‌ها بدادم برسید» و جوابش نگوید مسلمان نیست (کلینی، مترجم: مصطفوی، ج ۳، ۲۳۹).

روایت فوق با صراحت توجه به امور مسلمین را گوشزد می‌کند. یکی از مسائل بسیار جدی و مهم در مورد مسلمانان، مشکلات اقتصادی از قبیل فقر، بیکاری و مانند آن است که باید مورد توجه قرار گیرد و مسلمانان در قبال مشکلات اقتصادی هم‌کیشان خود بایستی برنامه مشخص در جهت همکاری و رفع مشکلات داشته باشند. بدون شک مدیریت اقتصادی وجوہات شرعی با عمومیت روایت فوق و امثال آن کاملاً سازگار و مناسب است و می‌توان با تخصیص وجوہات شرعی در فعالیت‌های اقتصادی بخش زیادی از ناهنجاری‌های اقتصادی افراد جامعه را حل کرد. همچنین حدیث دیگری داریم که پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «پروردگارا در طعام ما برکت عطا کن و بین ما و طعام جدایی مینداز؛ چراکه اگر طعام نباشد، هیچ‌کدام از فرایض اعم از نماز و روزه ادا نمی‌شود» (کلینی، ج ۹، ۱۴۲۹ ق، ۵۲۷-۵۲۸).

با توجه به احادیث فوق، می‌توان نتیجه گرفت: با تخصیص وجوہات شرعی در فعالیت‌های تولیدی-خدماتی بهتر می‌توان زمینه سرمایه‌گذاری را فراهم ساخت و از طریق آن، بخش زیادی از مشکلات اقتصادی مستحقین جامعه موردنظر را کاهش داد. اگر در توزیع وجوہات به روش موجود استفاده شود نه تنها کمکی بر پر شدن جیب مردم فقیر جامعه نشده است؛ بلکه بر شدت فقر و پراکندگی منابع افزوده می‌شود. بنابراین، با مدیریت درست منابع و تخصیص آن در بخش‌های مولد، بدون شک بخش زیادی از مشکلات اقتصادی مستحقین حل شده و توجه به فرایض دینی نیز بیشتر می‌گردد. از این‌روی، می‌توان نتیجه گرفت که در نگاه روایات فوق و مانند آن، مسائل

إِعْدَةً مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَدَدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي الْبَخْتَرِيِّ رَفَعَهُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي الْخُبْزِ، وَلَا تَفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ، فَلَوْلَا الْخُبْزُ مَا صُمْنَا وَلَا صَلَّيْنَا، وَلَا أَذْبَنَّا فَرَانِصَ رَبَّنَا».

اقتصادی مسلمانان بسیار اهمیت دارد و باید در جهت حل آن تلاش نمود. یکی از راه‌حل‌ها، تخصیص وجوهات شرعی در فعالیت‌های اقتصادی است و روایات فوق نیز به‌طور غیرمستقیم دلالت بر این مسأله دارد. روایات تنها به اهمیت مسائل اقتصادی و خطرات فقر پرداخته است. از سوی دیگر، خداوند منان در جهت بهبود وضع معیشتی مسلمانان وجوهاتی را واجب نموده است و تأکید بر دستگیری از مستحقین کرده است؛ لذا بهبود شرایط اقتصادی در زمان کنونی با تخصیص وجوهات شرعی در فعالیت‌های اقتصادی نسبت به روش موجود بهتر و سریع‌تر انجام می‌گیرد.

۲-۱-۳. تاریخ

در بیانات بزرگان دین، رسیدگی به مشکلات انسان‌ها به‌ویژه انسان مسلمان به‌عنوان یک وظیفه انسانی و دینی تعریف شده است و قوام زندگی اجتماعی را در گرو حل مشکلات و دستگیری از مستمندان و فقرای جامعه دانسته‌اند. چنانچه داستان میمون بن مهران این مسأله را به‌خوبی توضیح می‌دهد. میمون بن مهران روایت می‌کند: مردی از کسی بدهکار بوده است و طلبکار وی درخواست طلب خود می‌کند اما ایشان توان پرداخت ندارد؛ لذا طلبکار تلاش دارد تا وی را زندانی کند. سرانجام آن مرد به مسجد خدمت امام حسن^(ع) می‌رسد با این‌که امام در حال اعتکاف است. داستان را با امام در میان گذاشته اما امام می‌فرماید الان من هیچ مالی ندارم و سپس امام از مسجد خارج می‌شود تا رفع مشکل آن مرد بدهکار نماید. در این زمان میمون بن مهران می‌گوید به امام گفتم ای فرزند پیامبر شما در حال اعتکاف هستی. امام فرمود ای میمون فراموش نکرده‌ام اما از پدرم شنیدم که جدم رسول خدا می‌فرمود: کسی که در برآوردن نیازمندی برادر مسلمان خود تلاش کند، مانند کسی است که ۹ هزار سال، روزها را به روزه و شب‌ها را به عبادت مشغول بوده است (امیری پور، ۱۳۸۳، ۱۸۸-۱۸۹).

همچنین عمر بن عبد العزیز، در دوران حکومت خود، همین کار را کرد و هیچ‌یک از فقهای اسلام به او اعتراض نکرده‌اند. یحیی بن سعید می‌گوید: (عمر بن عبد العزیز مرا مأمور وصول مالیات آفریقا کرد. من مالیات آنجا را وصول کردم و به جستجوی مستمندان برخاستم لیکن یک تن بی‌یمن نیافتم و کسی را پیدا نکردم که از من چیزی به پذیرد، چرا؟ چون عمر بن عبد العزیز، بنا به نقل مالک بن انس و پیروان او همه مردم را بی‌نیاز کرده بود، ازاین‌رو با آن اموال، بردگانی خریده

آزاد کردم و ولأء آن‌ها را برای مسلمانان قرار دادم (جعفری تبریزی، ۵۴-۵۵).

با استفاده از آیات، روایات و شواهد تاریخی می‌توان در جهت تخصیص وجوهات شرعی در فعالیت‌های اقتصادی چنین استدلال نمود:

بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی ناشی از فقر و بیکاری است که باید برنامه‌های جدی اقتصادی در جهت مدیریت تخصیص وجوهات شرعی برای از بین بردن این پدیده اجرایی شود. عموم آیات انفاق، روایات و شواهد تاریخی بیانگر این مسأله است که هدف از انفاق اموال، توجه و رسیدگی به مشکلات اقتصادی مسلمانان است. روش موجود ناتوان از رفع مشکلات اقتصادی مردم جامعه از طریق تخصیص وجوهات شرعی است؛ لذا باوجود انفاق گسترده و توزیع وجوهات میان مستحقین نه تنها مشکلات اقتصادی مردم کاهش نیافته است؛ بلکه فزونی یافته است. بنابراین، روش جدید ارائه گردیده است تا با ساماندهی وجوهات شرعی در فعالیت‌های تولیدی و خدماتی، رفع مشکلات اقتصادی مردم جامعه سریع‌تر صورت گیرد.

۲-۲. دلایل فقهی تخصیص وجوهات شرعی در فعالیت‌های اقتصادی

تخصیص وجوهات شرعی در فعالیت‌های اقتصادی به منظور کاهش فقر و نابرابری با دلایل فقهی در قالب موارد زیر قابل تحلیل است:

۲-۲-۱. دلایل فقهی تخصیص زکات در فعالیت‌های اقتصادی

تخصیص زکات به هدف ریشه‌کنی فقر از چند جهت قابل اثبات است:

الف) فقهای اسلام با استناد به آیه شریفه: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْعَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ» (توبه، ۶۰)، موارد مصرف زکات را هشت گروه تعریف کرده‌اند که دو گروه اول و دوم سهم در زکات را خداوند فقرا و مساکین قرار دادند و بیانگر این است که هدف اول از وجوب زکات رفع فقر و نیازمندی‌های جامعه اسلامی است؛ زیرا قرآن کریم به زبان عربی نازل شده است و در زبان عرب بااهمیت‌ترین کلمه را در اول ذکر می‌کند و از آنجاکه مبارزه با فقر و متعهد شدن در قبال فقرا به عنوان هدف اول تعریف شده است؛ لذا آیه ۶۰ از سوره توبه با دو واژه فقرا و مساکین شروع شده است (قرضاوی، ج ۱، ص ۵۱۸).

افزون بر آن، یکی از موارد تخصیص زکات، در راه خدا «وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ» است. مراد از آن،

انجام هر کاری است که باعث جلب رضایت خداوند باشد؛ لذا مختص جهاد نیست (منتظری نجف‌آبادی، ج ۳، ص ۱۱۶)؛ بنابراین، بیشتر موارد مصرف زکات مانند: «لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسْكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ الْغَرَامِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ»، به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم معطوف به فقرا است و به هدف رفع فقر از جامعه بیان شده است. تحقق بهتر این هدف با تخصیص زکات در فعالیت‌های اقتصادی صورت می‌گیرد؛ زیرا این نوع تخصیص برخلاف الگوی موجود، منجر به افزایش بهره‌وری از طریق سرمایه‌گذاری زکات در فعالیت‌های تولیدی و خدماتی شده و زمینه‌ساز اشتغال مستحقین و در نهایت باعث کاهش فقر و نابرابری در جامعه می‌گردد. تحقق شاخص‌های تحقیق از طریق مدل سنتی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا در این مدل، توزیع زکات به صورت پراکنده و عموماً نقدی بنا به صلاح‌دید مجتهد جامع‌الشرایط و یا با اجازه وی انجام می‌شود که تاکنون بر حل مشکلات اقتصادی توفیق نداشته است.

ب) از عموم آیات زکات در قرآن و فلسفه وجودی زکات در قالب ریشه‌کن ساختن فقر از جامعه، برخی از اندیشمندان تعیین موارد نه‌گانه در زمان پیامبر گرامی اسلام را تنها به‌عنوان یک حکم حکومتی می‌دانند نه یک حکم ابدی خداوند. افزون بر آن، وضع زکات از سوی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، برای اسب‌های که به چراگاه می‌رفتند، وجود برخی روایات در خصوص زکات برنج و حمل روایات انحصار زکات را در موارد نه‌گانه به صدر اسلام به این نتیجه می‌رسیم که دامنه وجوب زکات فراتر از موارد نه‌گانه است (جعفری تبریزی، ص ۷۹-۸۷).

وجوب زکات در بیشتر از موارد نه‌گانه از دید برخی از فقها با استفاده از اطلاق آیات زکات، با تخصیص زکات در فعالیت‌های اقتصادی به‌منظور مبارزه با فقر سازگارتر است؛ زیرا توسعه دامنه وجوب زکات بخش زیادی از اموال را شامل است و بر ریشه‌کنی فقر از جامعه سرعت می‌بخشد. توسعه‌بخشی دامنه وجوب زکات منجر به منابع مالی بیشتر شده و زمینه را جهت سرمایه‌گذاری‌های کلان در ابعاد مختلف اقتصادی فراهم می‌سازد اما با تأکید بر وجوب زکات در موارد نه‌گانه و تخصیص آن به مدل سنتی به دو دلیل نمی‌توان بر مشکلات اقتصادی جامعه فائق آمد: ۱. تخصیص زکات در مدل سنتی به‌صورت پراکنده و عموماً نقدی است که زمینه سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی به دلیل اندک بودن وجوه به وجود نمی‌آید؛ ۲. انحصار زکات در موارد نه‌گانه نیز محدودیت منابع مالی ایجاد نموده و مانع افزایش بهره‌وری و ایجاد اشتغال می‌شود؛

ج) روایات زیادی وجود دارد که فلسفه وجوب زکات را رفع فقر بیان داشته است. چنانچه موارد زیر شاهد بر این ادعا است:

۱. ابوالحسن موسی بن جعفر^(ع) فرمودند: خدای عزَّ وَ جَلَّ زکات را روزی فقرا و افزایش اموال اغنیا قرار داده است (کلینی، ج ۷، ص ۷)

۲. امام رضا^(ع) در جواب سؤالات محمد بن سنان نوشت: علت زکات تأمین روزی فقرا و محافظت اموال اغنیا است؛ زیرا خداوند تندرستان را به رسیدگی به امور دردمندان و مبتلایان مکلف ساخته است (قمی، ج ۲، ص ۳)

افزون بر روایات فوق، روایات زیادی وجود دارد که به صراحت علت تشریع زکات را تأمین روزی فقرا و ریشه کنی فقر در جامعه پنداشته است. تخصیص زکات در قالب مدل سنتی هیچ گونه فقرزدایی از جوامع مسلمانان نکرده است چنانچه افزایش فقرا در جوامع اسلامی بیانگر این حقیقت است. از این روی، ضرورت ساماندهی اقتصادی وجوهات شرعی ایجاب می نماید تا از طریق تخصیص زکات در فعالیت های اقتصادی و ایجاد درآمد برای مستحقین، اهداف روایات محقق گردد.

۲-۲-۲. دلایل فقهی تخصیص خمس در فعالیت های اقتصادی

در نگاه غالب فقها به دلیل آیه ۴۱ سوره انفال و برخی روایات، خمس به شش سهم تقسیم شده است که سه سهم آن متعلق است به خدا، پیامبر گرامی اسلام^(ص) و امام معصوم^(ع) که در زمان غیبت تمام سهام سه گانه به امام زمان (عج) تعلق دارد و سه سهم دیگر به ایتم، مساکین و در راه ماندگان که از طرف پدر به هاشم منتسب هستند؛ اختصاص دارد مشروط به این که هر سه گروه دارای ایمان باشند بدون توجه به عدالت... (طباطبایی یزدی، ج ۲، ص ۴۰۳).

از تقسیم خمس به شش سهم از نظر غالب فقها، می توان تخصیص خمس در فعالیت های اقتصادی به هدف ریشه کنی فقر و افزایش اشتغال را اثبات نمود:

الف) یکی از سهم های شش گانه خمس، متعلق به خداوند است؛ خداوندی که در قرآن کریم مکرر انسان ها را به دست گیری از مستمندان، ایتم و فقرا سفارش کرده و نوید آخرت خوب برای انسان های نیکوکار داده است که به چند نمونه اشاره می کنیم:

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا

الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ (بقره، ۲۶۷).

ای اهل ایمان! اتفاق کنید از بهترین آنچه (به کسب و تجارت) اندوخته‌اید و از آنچه برای شما از زمین می‌رویانیم و بدها را برای اتفاق معین نکنید (مهدی الهی قمشه‌ای، ۴۵)

خداوند به مؤمنین دستور می‌دهد که بهترین‌های اموال خود را اتفاق کنید و از جنس بد و بی‌کیفیت در اتفاق دوری نمایید.

۲. مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَتَتْ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يَضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ. الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يَتَذَكَّرُونَ أَمْوَالَهُمْ مَتَا لَا أَذَى لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (بقره، ۲۶۱-۲۶۲)

مثل آنان که مالشان را در راه خدا اتفاق کنند بمانند دانه‌ای است که از یک دانه، هفت خوشه بروید و در هر خوشه، صد دانه باشد و خدا از این مقدار نیز بر هرکه خواهد بیفزاید چه خدا را رحمت بی‌منتها است و به همه چیز احاطه کامل دارد. آنان که مالشان را در راه خدا اتفاق کنند و در پی اتفاق منتهی نگذارده و آزاری نکنند، آن‌ها را پاداش نیکو نزد خدا خواهد بود و از هیچ پیش‌آمدی بیمناک نباشند و هرگز اندوهناک نخواهند بود (مهدی الهی قمشه‌ای، ۴۴)

۳. لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (آل عمران، ۹۲).

شما هرگز به مقام نیکوکاران و خاصان نخواهید رسید مگر آن‌که از آنچه دوست می‌دارید و بسیار محبوب است، در راه خدا اتفاق کنید و هرچه اتفاق کنید محققاً خدا بر آن آگاه است (مهدی الهی قمشه‌ای، ۶۶)

از آنجاکه خداوند خالق انسان است، به خلقت وی افتخار کرد و برای هدایت وی پیامبران زیادی را مبعوث ساخت. افزون بر آن، خداوند بی‌نیاز مطلق است و سایر موجودات را در جهت رفاه و آسایش بندگانش آفرید؛ بدون شک راضی به فقر و زندگی با ذلت بندگان به‌ویژه مؤمنین نخواهد بود. از این‌رو، زکات و سایر وجوهات شرعی را واجب ساخته تا زمینه‌ساز ریشه‌کنی فقر از جامعه گردد. بنابراین، تخصیص خمس در کنار سایر وجوهات شرعی در فعالیت‌های اقتصادی به هدف از بین بردن فقر جامعه نه تنها اشکال ندارد؛ بلکه موجب رضایت خداوند و مایه رحمت خواهد شد. این در حالی است که با تخصیص خمس با مدل موجود، مشکلات اقتصادی همچنان سایه افکننده است و هرروز بر تعداد فقرای جامعه افزوده می‌شود؛ لذا ضرورت

مدل پیشنهادی در جهت مدیریت اقتصادی وجوہات شرعی بیشتر پدیدار می‌شود تا از این طریق به خشنودی خداوند با کاهش فقر و افزایش اشتغال اقدام گردد.

ب) دو سهم دیگر از سهام شش‌گانه خمس، متعلق به پیامبر گرامی اسلام و امام معصوم^(ع) است که در زمان حضور معصوم، وجوہات جمع‌آوری‌شده را به نیازمندان جامعه و فقرا توزیع می‌کردند و توصیه‌های جدی برای آبادانی و رفع فقر از جامعه داشتند که موارد زیر گواه بر این مسأله است

۱. پیامبر گرامی اسلام با تشکیل حکومت در مدینه بر اساس مکتب اسلام، قانون اساسی مدینه را با عنوان «صحیفه» تهیه کردند و بر اساس آن به امورات مسلمین رسیدگی می‌شد و از هر نوع مالیات که توسط حاکمان قبل از اسلام دریافت می‌شد؛ منع گردید و در عوض حکومت اسلامی به دریافت خمس، زکات، جزیه و خراج از مردم موظف شد که با تجمیع این اموال به امورات حکومت و رسیدگی به نیازمندان جامعه پرداخته می‌شد (بابایی، ۱۳۹۶، ۷۱)؛

۲. امام علی^(ع) در نامه‌ای به نماینده خود در مکه به نام قثم بن عباس می‌فرماید: *وَ أَنْظُرْ إِلَى مَا اجْتَمَعَ عِنْدَكَ مِنْ مَالِ اللَّهِ فَاصْرِفْهُ إِلَى مَنْ قَبْلَكَ مِنْ ذَوِي الْعِيَالِ وَ الْمَجَاعَةِ مُصِيباً بِهِ مَوَاضِعَ الْمَفَاقِرِ وَ الْخَلَائِفِ وَ مَا فَضَلَ عَنْ ذَلِكَ فَاحْمِلْهُ إِلَيْنَا لِنَقْسِمَهُ فِيمَنْ قَبْلَنَا* (دشتی، نامه ۶۷، ۴۳۲)

در مصرف اموال عمومی که در دست تو جمع شده است، اندیشه کن و آن را به عیال‌مندان و گرسنگان پیرامونت ببخش و به مستمندان و نیازمندیانی که سخت به کمک مالی تو احتیاج دارند برسان و مازاد را نزد ما بفرست تا در میان مردم نیازمندی که در این سامان هستند تقسیم گردد.

با توجه به توضیحات فوق، نتیجه کلی این می‌شود که اولاً، منابع بیت‌المال در زمان پیامبر گرامی اسلام و امام علی^(ع) از وجوہات شرعی از قبیل خمس، زکات و ... بوده است که افزون بر مصارف حکومتی، بخش قابل توجه آن صرف نیازمندان جهت کاهش و رفع فقر از جامعه شده است. ثانیاً، نامه امام به قثم بن عباس تأکید جدی روی رفع مشکلات اقتصادی نیازمندان داشته است که از طریق صرف مالیات اسلامی باید صورت گیرد. ثالثاً، سهام پیامبر و امام معصوم از خمس را با توجه به نمونه‌های ذکرشده، می‌توان در فعالیت‌های اقتصادی به هدف رفع فقر از جامعه تخصیص داد؛ زیرا مدل پیشنهادی نسبت به مدل سنتی در این جهت بهتر و سریع‌تر عمل می‌نماید.

ج) سه سهم دیگر خمس به ایتام، مساکین و در راه‌ماندگان که از طرف پدر به هاشم منتسب هستند؛ اختصاص دارد.

در مورد سهم سادات تردیدی وجود ندارد در اینکه سادات از موارد مصرف خمس است، (اما) نه اینکه آن‌ها مالک جمیع سهام سه‌گانه باشند، زیرا شرط دریافت خمس، فقر است... اگر ما بپذیریم که نصف خمس ملک سادات است، بایسته است که ۱۰٪ از سود تمام افراد جامعه به‌اضافه کلیه معادن مانند نفت، گاز، طلا، نقره، گنج‌ها و غیره را به سادات فقیر بپردازیم، این پرداخت باعث می‌شود که سادات بدون کار و زحمت به سرمایه‌دارانی تبدیل شوند که نظیرشان در جامعه کم باشد. این تبیل‌پروری و گسترش نابرابری و ناعادلانه‌سازی توزیع امکانات موجب اختلال در نظام اجتماعی خواهد شد. سیره امام علی^(ع) در دوران حکومتش نشان می‌دهد که آن حضرت نه تنها نصف خمس را حق سادات نمی‌شناختند، بلکه آن‌ها را به‌عنوان مورد مصرف ممتاز و اولی نیز بر نمی‌تابید و در برابر خواسته‌هایشان مقاومت می‌کرد، نمونه بارز آن رفتار امام با برادرش عقیل بود. (موسوی الخمینی، ۱۳۸۷، ۱۰۴-۱۰۵).

بنابراین، تمام شش سهم خمس به هدف رفع فقر و کمک به نیازمندان جامعه تشریع شده است. چنانچه از توضیحات فوق این مسأله به‌خوبی به دست می‌آید. هرچند غالب فقها سه سهم دوم خمس را اختصاص به سادات فقیر دانسته‌اند اما از روایات، سیره معصومین و فرمایش برخی از فقها چنین به دست می‌آید که سادات فقیر یکی از مورد مصرف خمس است نه مالک آن. بنابراین، تمام سهام شش‌گانه خمس را می‌توان در فعالیت‌های اقتصادی به هدف کاهش نابرابری و ریشه‌کنی فقر در جامعه تخصیص داد.

۲-۳. دلایل اقتصادی تخصیص وجوهات شرعی در فعالیت‌های اقتصادی

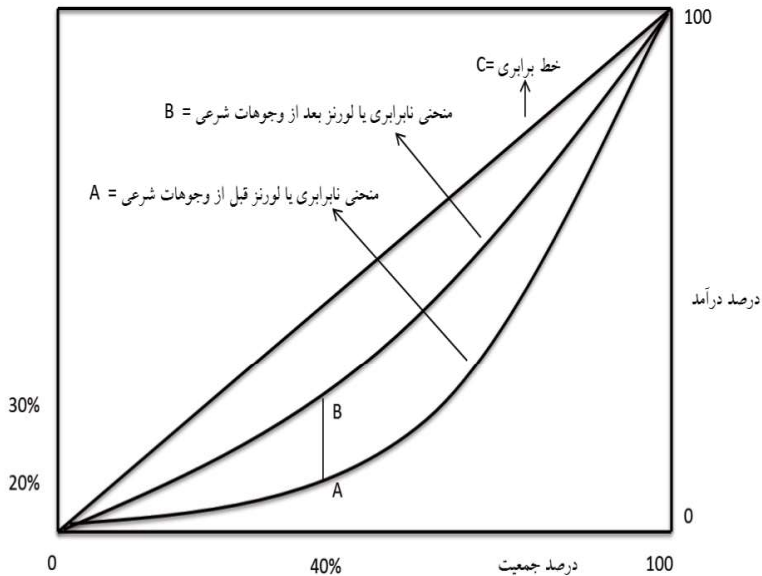
از آنجاکه عمده فلسفه وجودی وجوهات شرعی، رفع فقر و تعادل متغیرهای اقتصادی گفته شده است؛ لذا تخصیص وجوهات شرعی در فعالیت‌های اقتصادی باعث تغییر در توزیع، مصرف و تولید می‌شود.

۲-۳-۱. تعدیل در توزیع منابع

تخصیص وجوهات شرعی در فعالیت‌های اقتصادی باعث افزایش درآمد خانوارهای مستحق می‌شود؛ زیرا دریافت و توزیع وجوهات منجر به نشت پول از چرخه اقتصاد توسط پرداخت‌کنندگان

و تزریق پول به چرخه اقتصاد توسط مستحقین می‌شود. به عبارت دیگر، تخصیص وجوهات شرعی به‌ویژه زکات و خمس در فعالیتهای اقتصادی باعث کاهش نابرابری اجتماعی و افزایش رفاه اجتماعی می‌گردد. چنانچه در نمودار ذیل این مسأله بررسی و نشان داده شده است. (شاهی، ش ۱۵، ۱۳۹۴، ۱۰۹).

منحنی ۱: کاهش نابرابری از طریق وجوهات شرعی در قالب منحنی لورنز



نمودار بالا، بیانگر سطح برابری و نابرابری است؛ یعنی خط ۴۵ درجه (C) بیانگر خط برابری و منحنی «لورنز (A)» بیانگر نابرابری در جامعه است. برابری هر دو خط یعنی صفر شدن سطح نابرابری در جامعه و بدین معناست که ۱۰٪ جامعه از ۱۰٪ درآمد و ... برخوردار است. بنابراین، به هر میزانی که منحنی A به خط برابری یعنی C نزدیک‌تر شود؛ سطح نابرابری درآمدی کاهش می‌یابد. تخصیص وجوهات شرعی از قبیل خمس و زکات در فعالیت‌های تولیدی- خدماتی باعث انتقال منحنی لورنز به سمت داخل شده و منحنی B را به وجود آورده است که بیانگر کاهشی شدن سطح نابرابری و افزایشی شدن رفاه اجتماعی است. در نمودار بالا، قبل از تخصیص وجوهات شرعی در پروژه‌های اقتصادی، ۴۰٪ جمعیت از ۲۰٪ ثروت جامعه برخوردار هستند و نشان‌دهنده یک شکاف عمیق درآمدی است اما با تخصیص وجوهات شرعی در فعالیت‌های اقتصادی، ۴۰٪ جمعیت از ۳۰٪ درآمد و ثروت بهره می‌برند؛ زیرا تخصیص وجوهات شرعی

در فعالیت‌های اقتصادی باعث استخدام بیشتر مستحقین می‌شود و با ایجاد اشتغال این گروه، سطح درآمدی و قدرت خرید آن‌ها نیز افزایش می‌یابد. بنابراین، تخصیص وجوهای شرعی در مدل پیشنهادی از طریق استخدام مستحقین، تعدیل در توزیع منابع را تسریع می‌بخشد و در نهایت منجر به کاهش فقر و کاهش سطح نابرابری درآمدی به فاصله A تا B می‌شود.

۲-۳-۲. افزایش مصرف مستحقین

مصرف یکی از شاخص‌های اقتصادی است به گونه‌ای که یکی از ضلع‌های بسیار مهم در نظام اقتصادی به حساب می‌آید؛ یعنی یکی از اجزای درآمد ملی را تشکیل می‌دهد و در محاسبه تولید ناخالص ملی نیز از آن استفاده می‌شود (شاکری، ج ۱ و ۲، ۱۳۸۷، ۱۸۰ و ۶۶۰-۶۶۲).

(۱) تابع درآمد ملی

$$GNP=Y=C+I+G+(X-M)$$

در عبارت فوق، GNP تولید ناخالص ملی، Y درآمد ملی، C مصرف، I سرمایه‌گذاری، G مخارج دولت، X صادرات و M واردات است.

بررسی مصرف وجوهای شرعی مستلزم تبیین مصرف در دو نظام اقتصاد متعارف و اسلامی است چراکه فهم تابع مصرف در نگاه اقتصاد متعارف با رویکرد کینزی، باعث تسهیل در فهم مصرف وجوهای شرعی بخصوص زکات می‌شود.

۲-۳-۱. مصرف در اقتصاد متعارف بدون وجوهای شرعی و مالیات ($T=Z=0$)

یکی از نظریات مهم مصرف در اقتصاد متعارف، نظریه جان مینارد کینز است که نقش جدی در شکل‌گیری و تکامل اقتصاد کلان داشت. ایشان با ارائه فروض زیر به تبیین نظریه مصرفی خویش و تابع مصرف می‌پردازد (میر معزی، ۱۳۸۴، ۱۲۷).

الف) مصرف، تابعی از درآمد واقعی قابل تصرف است؛

ب) وقتی درآمد افراد فراوان می‌شود، مصرف خود را به مقدار کمتر از افزایش درآمدشان، افزایش می‌دهند و بخشی از درآمد افزوده را پس‌انداز می‌کنند؛

ج) با افزایش درآمد، میل نهایی به مصرف کاهش می‌یابد.

با توجه به فروض ذکر شده، به بررسی توابع مصرف با نگاه کینزی می‌پردازیم (شاکری، ج ۱، ۱۳۸۷، ۱۸۰).

۲) تابع مصرف کینز

$$C=a+by$$

در عبارت فوق، C مقدار مصرف کل، a مقدار مصرف مستقل از درآمد و y درآمد قابل تصرف و b میل نهایی به مصرف است. مصرف در نگاه کینز دارای دو بخش است: مصرف مستقل و مصرف متأثر از درآمد. مصرف مستقل یعنی فرد حتی در درآمد صفر، مصرفش بزرگ‌تر از صفر است و این مقدار مصرف از پس اندازه‌های زمان درآمد تأمین می‌شود چراکه فرد دارای درآمد یک بخش از آن را پس انداز می‌نماید و بخش دیگری آن را مصرف.

۳) میل نهایی به مصرف

$$MPC = \frac{dC}{dy} = b$$

b مشتق تابع یا شیب تابع مصرف است که نشان می‌دهد در برابر یک واحد افزایش درآمد، مصرف چه مقدار افزایش می‌یابد. MPC معمولاً بین صفر و یک قرار دارد که به قاعده روانشناسی (کینز) معروف است. اگر MPC مساوی یک باشد به این مفهوم است که تمام افزایش درآمد را مصرف می‌کنیم و اگر MPC برابر صفر باشد به این معنی است که با تغییر درآمد، مصرف تغییر نمی‌کند معمولاً این دو وضعیت اتفاق نخواهد یافت؛ بنابراین MPC بین صفر و یک است.

$$(MPC > 0 < 1)$$

۴) میل متوسط به مصرف

$$APC = \frac{C}{Y} = \frac{a}{y} + \frac{by}{y} = \frac{a}{y} + b = \frac{a}{y} + MPC$$

با توجه به فرمول فوق روابط میان MPC و APC به صورت زیر است:

APC همیشه بزرگ‌تر از MPC است و با افزایش درآمد به یکدیگر نزدیک می‌شود.

MPC مقدار ثابت است اما APC با درآمد ملی رابطه عکس دارد یعنی با افزایش درآمد ملی،

APC کاهش می‌یابد.

۲-۲-۳. مصرف در اقتصاد اسلامی با توجه به وجوهات شرعی (Z+T > ۰)

در مقابل نظام اقتصاد سرمایه‌داری، نظام اقتصاد اسلامی مطرح است که انسان اقتصادی در این

نظام موجودی است مخلوق خداوند، دارای روح و جسم، تابع قوانین الهی و بدون آزادی مطلق در تمامی فعالیت‌ها از جمله فعالیت اقتصادی. ازاین‌روی، فرض اولیه کینز با آموزه‌های دینی در مورد فرد، سازگاری کامل ندارد؛ زیرا نظریه کینز در دو مورد زیر به دلیل این‌که مصرف، تابعی از درآمد نیست؛ صادق نیست: ۱. درآمد فرد پایین‌تر از حد کفایت (حد واجب مصرف)؛ ۲. درآمد فرد بالاتر از حد اسراف (میر معزی، ۱۲۷)

با توجه به توضیحات داده شده، به بررسی آثار مصرفی وجوہات شرعی می‌پردازیم (عسکری، ۱۳۹۳، ۹۴-۹۷)

(۵) تابع خطی مصرف در سطح خرد

$$C=c+ay_a+by_b$$

C مقدار مصرف مستقل از درآمد، a میل نهایی به مصرف فرد زکات دهنده و b میل نهایی به مصرف فرد که زکات دریافت می‌کند. y_a و y_b به ترتیب درآمد قابل تصرف زکات‌دهنده و زکات‌گیرنده می‌باشد.

(۶) تابع پرداخت‌کننده زکات

$$y_a=my-zy-vy$$

my سهم معینی از زکات پرداخت‌کننده در درآمد کل است؛ zy متعلق به نرخ زکات پرداختی و vy متعلق به نرخ انفاق و صدقه است.

(۷) تابع دریافت‌کننده زکات

$$y_b=(1-m)y+zy+vy$$

1-m سهم زکات که متعلق به مستحق زکات است.

از معادلات ۵، ۶ و ۷؛ معادلات ۸ و ۹ به دست می‌آید:

$$[C=c+a(my-zy-vy)+b[(1-m)y+zy+vy] \quad (۸)$$

(۹) تابع مصرف کل

$$C=c+amy-azy-avy+by-bmy+bzy+bvy$$

(۱۰) میل نهایی به مصرف

$$MPC=dC/dY=am-az-av+b-bm+bz+bv$$

۱۱) میل متوسط به مصرف

$$APC = \frac{C}{Y} = \frac{C}{Y} + am - az - av + b - bm + bz + bv$$

با توجه به روابط بیان شده در دو نظام اقتصادی، خواهیم داشت:

۱۲) مقایسه میل متوسط به مصرف

$$APC_{Z+T>0} = \frac{C}{Y} > APC_{T+Z=0} = \frac{C}{Y}$$

۱۳) مقایسه میل نهایی به مصرف

$$MPC_{T+Z>0} = \frac{dC}{dY} > MPC_{Z+T=0} = \frac{dC}{dY}$$

میل متوسط به مصرف و میل نهایی به مصرف در اقتصاد اسلامی بزرگ‌تر از میل متوسط به مصرف و میل نهایی در اقتصاد متعارف است؛ زیرا درآمدزایی برای مستحقین از طریق تخصیص وجوهات شرعی در فعالیتهای اقتصادی میل به مصرف آن‌ها را در بلندمدت افزایش می‌دهد و این رشد باید مبتنی بر رعایت اصول زیر باشد:

دوری از مصرف‌گرایی

مصرف‌گرایی در نظام اقتصاد اسلامی با توجه به آموزه‌های دینی مطرود شناخته شده است؛ زیرا مصرف‌گرایی در تمام سطوح زندگی باعث تضعیف اقتصاد ملی گردیده و چالش‌های جدی به وجود می‌آورد. نهادهای اجتماعی به‌ویژه کمیته تأمین و تخصیص وجوهات شرعی با تکیه به موارد ذیل می‌تواند مانع فرهنگ مصرف‌گرایی گردد:

الف) بررسی و بیان پیامدهای منفی مصرف‌گرایی در قالب همایش، سمینار و ...؛

ب) جلوگیری از تبلیغات کالاها و خدمات غیرضروری از طریق رسانه‌های جمعی؛

پیروی از اصل قناعت

راضی شدن به آنچه در اختیار انسان قرار دارد؛ قناعت گویند (یوسفی، ۱۳۸۷، ۱۷۸). پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید (مجیدی خوانساری، ۵۵۴): قناعت‌پیشه باشی؛ زیرا قناعت، دارایی‌ای است که تمام نمی‌شود. در نامه امام علی^(ع) به عثمان بن حنیف، می‌فرماید (صبحی صالح، نامه ۴۵، بی‌تا،

ص ۴۱۶-۴۱۷): آیا به همین رضایت دهم که مرا «امیرالمؤمنین» خوانند و در تلخی‌های روزگار با مردم شریک نباشم و در سختی‌های زندگی الگوی آنان نگردم؟

در نظام اقتصاد اسلامی بر اصل قناعت تأکید شده است؛ زیرا با قناعت است که مصرف‌های غیرضروری خانوار کاهش و پس‌انداز زیاد می‌شود که با تخصیص آن در بخش‌های تولیدی و خدماتی زمینه سرمایه‌گذاری بیشتر گردیده و درنهایت با استخدام مستحقین شرایط بهتری اقتصادی برای آن‌ها فراهم می‌گردد.

۲-۳-۲. افزایش سطح تولید

وجوهای شرعی به‌ویژه زکات در افزایش تولید از دو طریق اثرگذار است (توسلی، ۱۳۸۶، ۱۲. مصعب عبدالهادی دیاب الشیخ خلیل، ۱۴۳۶ ه.ق، ۴۲):

الف) عرضه سرمایه

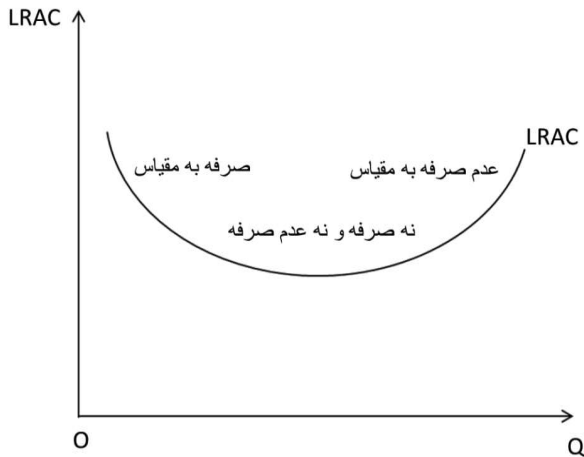
وجوهای شرعی از جمله زکات افزون بر آن‌که در بلندمدت منجر به افزایش پس‌انداز و زمینه‌ساز فرصت سرمایه‌گذاری (به دلیل اضافه شدن درآمد کل) می‌شود؛ باعث بزرگ شدن دامنه بازار (به دلیل افزایش سطح مصرف فقرا) و افزایش عرضه سرمایه (به دلیل ثابت بودن مقدار وجوهای شرعی) نیز می‌شود. علاوه بر آن، سرمایه‌گذاری وجوهای شرعی در پروژه‌های اساسی موجب تقویت و افزایش سرمایه اجتماعی شده و درنهایت باعث افزایش سطح تولید در جامعه می‌شود؛ زیرا وجود امکانات زیربنایی و راه‌های مواصلاتی نقش بسیار جدی در رشد اقتصادی و توسعه تولیدات داشته و دارد.

ب) عرضه نیروی کار

سرمایه‌گذاری وجوهای شرعی در پروژه‌های مختلف، افزون بر کاهش بیکاری، افزایش اشتغال و بهبود شرایط بهداشتی و اقتصادی مستحقین، باعث افزایش و بهبود کیفیت کالاها و خدمات تولیدی می‌شود؛ چراکه با بهتر شدن شرایط کلی کارگران و دستمزد آن‌ها، کارایی بیشتر شده و زمینه‌ساز بهتر برای اشتغال افراد فقیر جویای کار می‌شود. از سوی دیگر، تخصیص وجوهای شرعی در موارد مانند آموزش دانشجویان فقیر، پرداخت دیون بدهکاران و بازگرداندن در راه‌ماندگان منجر به بهبود کیفیت کار، افزایش کارایی و عدم کاهش عرضه نیروی کار می‌شود. بنابراین، وجوهای شرعی از طریق افزایش و بهبود کار نیروی کار منجر به افزایش سطح تولید در

جامعه می‌شود. به عبارت دیگر، بهبود نیروی کار باعث صرفه به مقیاس می‌شود که در قالب نمودار زیر مورد تحلیل قرار می‌گیرد (چ. موریس، مترجم: اکبر کمیجانی، ج ۱، ۱۳۸۶، ۳۳۸-۳۴۴):

منحنی ۲: توضیح وجوهای شرعی در قالب منحنی LRAC



در نمودار بالا، ابتدا هزینه متوسط بلندمدت (LRAC) کاهشی و نزولی است و پس از رسیدن به حداقل خود، روند صعودی و افزایشی پیدا می‌کند. این روند سه‌گانه به دلیل وجود صرفه به مقیاس و عدم صرفه به مقیاس است. به عبارت دیگر، هزینه متوسط بلندمدت دارای سه حالت است: الف) با افزایش حجم تولید، هزینه متوسط بلندمدت کاهشی است؛ یعنی صرفه به مقیاس؛ ب) با افزایش حجم تولید، هزینه متوسط بلندمدت ثابت است؛ یعنی نه صرفه به مقیاس است و نه عدم صرفه به مقیاس؛ ج) با افزایش حجم تولید، هزینه متوسط بلندمدت افزایشی است؛ یعنی عدم صرفه به مقیاس.

شیب منفی نمودار LRAC به این مفهوم است که با افزایش تولید، هزینه متوسط آن کم می‌شود. پرسش این است: چرا در این دامنه، شیب LRAC منفی است؟ و دلایل صرفه به مقیاس

چیست؟ ممکن است عوامل زیادی وجود داشته باشد که یک نهاد اقتصادی در این دامنه قرار بگیرد که تنها چند مورد آن توضیح داده می‌شود (همان، ۳۴۰-۳۴۴):

۱. تخصص: آدام اسمیت در سال ۱۷۷۶ عامل تخصص را به عنوان دلیل اصلی برای قرار گرفتن در دامنه صرفه به مقیاس معرفی نمود؛ زیرا تخصص باعث صرفه‌جویی در زمان و کاهشی شدن جابه‌جایی نیروی کار در بخش‌های متفاوت کاری می‌شود؛

۲. تکنولوژی: یکی دیگر از عوامل مهم صرفه به مقیاس، استفاده از تکنولوژی مدرن است. اگر یک نهاد اقتصادی در فعالیت‌های خود از فناوری روز استفاده کند؛ افزون بر تغییرات کیفی محصول، فعالیت اقتصادی در مقیاس بزرگ‌تر نیز انجام می‌شود که این خود منجر به طولانی شدن دامنه صرفه به مقیاس می‌گردد؛

۳. شرایط مالی و اجتماعی: به هر میزان یک فعالیت اقتصادی از شرایط بهتر مالی و اعتماد اجتماعی برخوردار باشد؛ توانایی در تهیه بیشتر نیازمندی‌ها، عرضه اوراق بهادار به بازارهای مالی و دریافت قرضه با نرخ بهره پایین نیز مقدورتر و آسان‌تر می‌شود.

بنابراین، عوامل گفته شده موجب قرار گرفتن بنگاه اقتصادی در دامنه صرفه به مقیاس و طولانی شدن شیب منفی LRAC می‌شود. از این روی، تخصیص وجوہات شرعی در فعالیت‌های اقتصادی به هدف ریشه‌کنی فقر مناسب‌تر است؛ زیرا اولاً، با تجمع وجوہات شرعی و تخصیص در فعالیت‌های اقتصادی، وجوہات از حالت پراکندگی جدا شده و به انباشت سرمایه تبدیل می‌گردد؛ ثانیاً، تجمع وجوہات شرعی شرایطی را برای طولانی شدن دامنه صرفه به مقیاس با استفاده از تکنولوژی روز و تربیت نیروهای متخصص مهیاء می‌سازد و در نتیجه بر کاهش نابرابری و افزایش درآمد فقرا سرعت می‌بخشد. بنابراین، با دلایل اقتصادی نیز می‌توان نتیجه گرفت که تخصیص وجوہات شرعی در فعالیت‌های اقتصادی موجب تحقق شاخص‌های مورد هدف پژوهش می‌شود.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

این مقاله از طریق ساماندهی وجوہات شرعی در فعالیت‌های اقتصادی، تلاش دارد مدلی را ایجاد نماید که اولاً، از درجه‌کارایی بالایی برخوردار باشد و ثانیاً، متناسب با شرایط جامعه اسلامی باشد.

بنابراین، مقاله با استفاده از دلایل ارزشی همانند آیات قرآن، روایات و شواهد تاریخی به این نتیجه رسیده است که می‌توان از طریق تخصیص وجوہات شرعی در فعالیت‌های اقتصادی به کاهش فقر، افزایش اشتغال و کاهش نابرابری دست یافت؛ زیرا تاکید آیات قرآن بر انفاق، توجه روایات به دستگیری از مستمندان جامعه و شواهد تاریخی در جهت همکاری پیامبر گرامی اسلام^(ص) و سایر معصومین^(ع) با فقرا، مساکین و ... حاکی از آن است که هدف اصلی موارد گفته شده؛ مبارزه با فقر و رفع مشکلات اقتصادی بوده است. تحقیق حاضر ساماندهی وجوہات شرعی در فعالیت‌های اقتصادی و عبور از روش موجود را بهترین گزینه در سرعت بخشی مبارزه با فقر جامعه می‌داند. همچنین با دلایل اقتصادی نیز ثابت شد که اگر وجوہات شرعی در بخش‌های تولیدی و خدماتی تخصیص داده شود بدون شک تعدیل در توزیع منابع، افزایش مصرف مستحقین و افزایش سطح تولید در جامعه تحقق می‌یابد.

تخصیص وجوہات شرعی در فعالیت‌های تولیدی و خدماتی به این معناست که با مکانیزم مشخص وجوہات تجمع گردد و سپس از طریق ایجاد کارخانه‌های تولیدی و نهادهای خدماتی و جذب نیروی بیکار خانواده‌های مستحقین، فعالیت‌های اقتصادی به صورت جدی صورت گیرد که افزون بر درآمدزایی نیروی فعال مستحقین، نیازمندی‌های جامعه نیز تولید و عرضه می‌گردد. ساماندهی وجوہات شرعی با این روش دارای مزیت‌های فراوانی خواهد بود که به مهم‌ترین آن‌ها پرداخته می‌شود:

(الف) این روش از پراکندگی وجوہات شرعی و توزیع سلیقه‌ای جلوگیری می‌نماید؛

(ب) از وجوہات شرعی به صورت کارآ استفاده می‌شود؛

(ج) با استخدام نیروی کار مستحقین، افزون بر درآمدزایی خانواده‌های آن‌ها و افزایش سطح تولید، مهارت‌افزایی نیروی کار نیز تقویت می‌شود؛

(د) با روش موجود، کاهش فقر، ایجاد اشتغال و کاهش مشکلات اقتصادی مستحقین، سریع‌تر صورت می‌گیرد و در نهایت تولید ناخالص داخلی و سهم تولید سرانه نیز افزایش خواهد یافت.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. امیری پور، احمد، اخلاق از دیدگاه قرآن و چهارده معصوم^(ع)، چاپ اول، ایران: مشهد، راز توکل، ۱۳۸۳.
۲. بابایی، عیسی، بررسی تطبیق مالیات‌های اسلامی با مالیات حکومتی (مطالعه موردی خمس و زکات)، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، سال سوم، ش ۱۸، ۱۳۹۶.
۳. بنرجی، ابهیجیت، دوفلو، استر، اقتصاد فقیر، مترجم، جعفر خیرخواهان و مهدی فیضی، تهران، انتشارات دنیای اقتصاد، ۱۳۹۲.
۴. توسلی، محمد اسماعیل، زکات و اثر آن بر رشد و توسعه اقتصادی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶.
۵. جعفری تبریزی، محمد تقی، منابع فقه، بی جا، بی تا.
۶. جعفری تبریزی، محمد تقی، رسائل فقهی، تهران، چاپ اول، مؤسسه منشورات کرامت، بی تا.
۷. چ. موریس، او. فیلیپس، تحلیل اقتصادی نظریه و کاربرد «اقتصاد خرد» مترجم، اکبر کمپجانی، ج ۱، چاپ دهم، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
۸. عسکری، حشمت‌الله و بهروز بادپا، اثر زکات بر مصرف عمومی ایران، دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، سال ششم، شماره دوم، ۱۳۹۳.
۹. شاکری، عباس، اقتصاد کلان، ج ۱ و ۲، انتشارات پارس نویسا، ۱۳۸۷.
۱۰. شاهی، مرتضی حسن، بررسی تأثیر زکات بر توزیع درآمد در ایران، فصلنامه علمی-پژوهشی راهبرد اقتصادی، سال چهارم، شماره ۱۵، زمستان ۱۳۹۴.
۱۱. صبحی صالح، نهج البلاغه، بیروت، دارالکتب البنانی، نامه ۴۵، بی تا.
۱۲. طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، العروة الوثقی، ج ۲، بی جا، بی تا.
۱۳. قرضواوی، یوسف، فقه الزکات، ج ۱، چاپ ۲۵، قطر: الدوحه، مکتبه وهبه، ۱۴۲۷ ه. ق.

۱۴. قمی، شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۲ باب علة وجوب الزكاة، بی تا.
 ۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، أصول الکافی، ترجمه مصطفوی، ج ۳، بی تا.
 ۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، ج ۳ و ۷، باب فرض الزكاة و ما یجب فی المال من الحقوق و باب الاهتمام بأمور المسلمین و النصیحة لهم و نفعهم، (ط - دار الحدیث)، بی تا.
 ۱۷. مجیدی خوانساری، غلامحسین، نهج الفصاحه، انتشارات انصاریان، بی تا.
 ۱۸. مصعب عبدالهادی دیاب الشیخ خلیل، دور اموال الزکات فی التنمية الاقتصادية «دراسة تطبيقية لقطاع غزة»، الجامعة الاسلامیه- غزة، ماجیستر اقتصادیات التنمية، ۱۴۳۶ ه.ق.
 ۱۹. منتظری نجف آبادی، حسین علی، کتاب الزكاة، ج ۱، چاپ دوم، ایران: قم، مرکز جهانی مطالعات اسلامی، ۱۴۰۹ ه.ق.
 ۲۰. موسوی الخمینی، روح الله، تحریر الوسیله و کتاب البیع، به نقل از: موسایی، میثم و کرمی، بررسی نقش خمس در رفع فقر مطالعه موردی: شهر شال قزوین، راهبرد توسعه، ش ۱۶، سال ۱۳۸۷.
 ۲۱. میر معزی، سید حسین، اقتصاد کلان با رویکرد اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ اندیشه اسلامی، ۱۳۸۴.
 ۲۲. یوسفی، احمدعلی، نظام اقتصاد علوی، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷.
23. NO.1,1985,PP48-523NOMunawar Iqbal, zakzh,moderation and aggregate consumption in an islamic economy, j.RES.Islamic Econ, val.